

عنوان مقاله : ستایش زادگاه در آثار امیر خسرو دهلوی*
نویسنده : صباح‌الدین عبدالرحمن، برگردان: محمد منصور عاصمی
مآخذ : نامه پارسی، س ۳ ش ۴ (زمستان ۷۷) ص ۴۸ تا ۶۶

نابغه چیره‌دستی چون امیر خسرو موهبتی ارزشمند برای هندوستان بود. او ترکیبی از شاعری بزرگ، نویسنده‌ای عظیم، صوفی‌ای والامقام، مردی درباری و موسیقیدانی سترگ بود. در شعر، سروده‌های او به بیش از نیم میلیون بیت می‌رسد که در آنها می‌توان سحر کلام سعدی، عظمت خارق‌العاده سخن خاقانی، دیدگاه ستودنی انوری از خاوران در خراسان، هنر چیره‌دستی ظهیر فاریابی و هنر نظامی گنجوی را در ترسیم هنرمندانه رویدادها باز یافت. از نظر چیرگی در نثر می‌توان نثر او را با نوشته‌های همه همتایانش در شیوه نثرنویسی موزون (مسجع) همسنگ دانست.

امیر خسرو به رغم پرهیزگاری و مشغولیت‌های روحی در نقش مردی درباری مورد علاقه همه پادشاهان، شاهزادگان و اشراف همعصر خود بود. اعتقاد بر این است که امیر خسرو در مقام موسیقیدان نیز جایگاهی والا داشت. برجسته‌ترین ویژگی او در عشق بی‌پایان به میهن و پرستش سرزمین مادری و هر آنچه بدان متعلق است، تجلی می‌یابد. او همانند عاشقی راستین به میهن، هرگز از سرودن ابیاتی مشحون از تمجید هند، زبان، مذهب، دانش، گیاهان، جانوران، مردم، زیبایی و زندگی روزمره خسته نشد.

حس میهن‌پرستی بی‌پایان وی با تعبیرهای فراوان از عشق او به دهلی آغاز می‌شود. امیر خسرو در سال ۶۵۱ ه. ق. (۱۲۵۳ م.) در «پاتی‌یالی» (ناحیه اتاه) زاده شد و تا زمان مرگ پدر (۶۵۹ ه. ق.) در آنجا زندگی کرد. پس از آن به دهلی رفت و تا زمان مرگ (۷۲۵ ه. ق.) به مدت شصت و سه سال در دهلی زیست و دهلی وطن

* - اصل این مقاله به زبان انگلیسی در مجله روابط فرهنگی ایران و هند چاپ کلکته، س. پانزدهم، ش ۲ (سپتامبر ۱۹۶۲) چاپ شده است.

دوم او شد.

او احساس میهن پرستانه خود را نسبت به دهلی و هر چه در آن است در مثنوی «قران السعدین» متجلی ساخت. او این شهر را «قبة الاسلام» می نامد و شرح مبسوطی از این پایتخت می دهد که در عین حال حاوی اطلاعات مفید باستانشناختی و تاریخی است.

در مثنوی دوال رانی خضر خان یا عشیقه نیز در مورد هر چیزی که هندی است زبان به ستایش می گشاید و با هواخواهی بیش از اندازه، گیاهان و گل‌های هندی زینت دهنده باغهای دهلی را وصف می کند. در این مثنوی بررسی ستایش آمیزی نیز از زبان سانسکریت دارد و می گوید که این زبان به هیچ وجه چیزی از زبان فارسی کم ندارد. بعدها در «نه سپهر» می نویسد که این زبان گرچه نسبت به زبان عربی در رده پایین تری قرار دارد، بدون تردید بر فارسی برتری دارد. به نظر می رسد که امیر خسرو بسیار شیفته زبان هندی بوده و برای نشان دادن توانایی خود در این زبان، رباعیات فراوانی به هندی تصنیف نموده و نکته‌ها، لغزها و بیت‌هایی از بازی با الفاظ، غزل‌هایی با ترکیب واژه‌های هندی و پارسی نوشته است. این امیر خسرو بود که استفاده از قافیه فارسی را در شعر هندی باب کرد و روشی برای ترکیب فارسی و هندی نشان داد. هندویسم نیز توجه امیر خسرو را جلب کرده و او از جنبه‌های درخشان این مذهب تمجید کرده است؛ مثلاً در مورد مفهوم خدا نزد هندوها می گوید آنها به وحدانیت و جاودانگی خدا و قدرت او در خلق از عدم اعتقاد دارند و لذا از ملحدان و مشرکان و تناسخ‌گرایان و ماده پرستان و غیره بهتر هستند.

در مثنوی نه سپهر (سروده شده به سال ۷۱۸) فضای شکوه و عظمت هند را استشمام می کنیم. امیر خسرو با اخلاص و تصویری زنده می گوید که عقل آشکار در هند و عقاید فرهیخته خارج از شمارند. وی در این مثنوی استدلال‌های بیشماری در جهت اثبات برتری هند نسبت به همه کشورهای دیگر ارائه می دهد.

عنوان مقاله : بررسی انتقادی «سب رس» شاهکار تمثیلی «وجهی» در ادب

اردو و مشابهتها و مآخذ آن در ادبیات فارسی

ترجمه و تحقیق از: ابوالقاسم رادفر

مآخذ : فصلنامه ادبیات داستانی، س هفتم، ش ۴۹، ص ۱۰ تا ۲۰

ملا اسدالله وجهی، نویسنده و شاعر اوایل سده یازدهم هجری را نخستین نثر نگار اردو دانسته اند که «انشائیه» و «ناول» نوشته است. کتاب «سب رس» در کارنامه آثار منشور او، اولین شاهکار نثر اردوست. موضوع این کتاب جستجوی آب حیات است که روابط ازلی عشق و دل را بروشنی بیان می کند. سب رس، تمثیلی عاشقانه و داستانی است که مسائل تصوف در آن بسیار دلچسب و با سبکی همه فهم گنجانده شده است. «وجهی» در سب رس به زندگی شکل مجسم داده است؛ یعنی «بدن» یک صحنه است و در آن احساسات و گرایشهای مختلف و متضاد بر سر پیکار به نظر می آیند. این رساله بهترین کشمکش انسانی بین دنیا و عقباست.

سب رس نثری مسجع، مقفأ و شکفته دارد. اسلوب سب رس گام بسیار مهمی در ترقی نثر اردو به شمار می رود. زبان در آن تنها وسیله انتقال و اظهار مفاهیم نیست، بلکه وجهی به آن جنبه ادبی و ذوقی داده و با آمیزش نثر و نظم، سبکی جدید پدید آورده است. اساساً سب رس به جهت بی تکلفی و حسن و زیبایی در زمره نثرهای اولیه اردو به حساب می آید و سخن وجهی به نثر اردو، حسن، توانایی ادبی و تنوع می بخشد.

وجهی به زبان فارسی تسلط کامل داشت. او صاحب دیوان فارسی نیز بود که در ایران ناشناخته مانده است. قصه سب رس آفریده ذهن وجهی نیست؛ بلکه از «حسن و دل» شاعر فارسی، محمد بن سبیک فتاحی و مثنوی «دستور عشاق» او مأخوذ است. برخی حسن و دل را خلاصه نثری دستور عشاق می دانند. دکتر نورالسعید اختر حسن و دل فتاحی را مأخوذ از درام مشهور «کرشم مشر» به نام «پر بوده چند رودی» می داند. وی سبک دستور عشاق را نیز شبیه سبک پر بوده چند رودی دانسته و گفته است که کرشم مشر پیشرو فتاحی است و از اشعاری که در

دستور عشاق آمده است، این فکر تقویت می‌شود. دکتر منظر اعظمی نیز نشان داده است که قصه سب رس از نمایشنامه پر بوده چند رودی مأخوذ است.

نویسنده پس از برشمردن ترجمه‌های «پر بوده چند رودی» این کتاب را با دستور عشاق مقایسه کرده و نوشته که موضوع این دو کتاب کاملاً متفاوت است؛ زیرا در پر بوده چند رودی تکیه بر مذهب، بویژه مذهب و شنوبگهتی است که زندگی صحیح را بر مبنا و اساس عقل می‌داند؛ در حالی که در دستور عشاق، عشق حقیقی مبنا و عنصر بنیادی است. هر دو کتاب غیر مادیات و صفات مجرد را مجسم کرده‌اند و در هر دو، میان عشق و عقل جنگ است؛ ولی در یکی عشق پیروز می‌شود و در دیگری عقل. در هر دو ماده پرستی و لامذهبی نفی می‌شود و جستجو و تلاش در داستان مرکزیت دارد؛ ولی کرشن مشر راه نجات را نزدیک شدن به و شنوبگهتی می‌داند و فتاحی از چشمه آب حیات سخن می‌گوید. در هر دو اثر عیش و تنعم دنیایی، باده نوشی و شاهد بازی و فلسفه لذت نکوهش می‌شود. اگر چه هر دو اثر از نظر تسلسل واقعات مختلف است، گاه اشتراکات جزئی نیز بین آنها وجود دارد.

نویسنده سپس به ده مورد از موارد اختلاف بین «دستور عشاق» و «سب رس» اشاره کرده و نوشته است: «هیچ شکی نیست که وجهی در سب رس از قصه حسن و دل تقلید کرده است و قصه حسن و دل هم تلخیص دستور عشاق است. بنابراین بین واقعات دستور عشاق و سب رس اختلاف جزئی نیز وجود دارد. از مطالعه تفصیلی دستور عشاق و سب رس معلوم می‌شود که فتاحی واقعات را به سبک حکیمانه بیان کرده ولی وجهی در بعضی جاها غیر حکیمانه رفتار کرده است و احساس می‌شود که او نفس واقعه را در یکی دو جمله بیان کرده و نصایح بسیار از خود آورده و طبیعی است که بیانات غیر فطری جای عبارات مناسب را نگیرد.»